

تعمیق فرهنگ صادرات و حمایت دولت زمینه‌ساز جهش در صادرات غیرنفتی است

اشاره:

تجربه کشورهای موفق در جذب بازارهای جهانی و جهش صادرات، نشان می‌دهد که طی سه دهه اخیر پیروی از الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر رشد صادرات سبب شده که اصلاحات اقتصادی در راستای گسترش صادرات و حضور در بازارهای جهانی تداوم یافته و این گروه از کشورها توانسته‌اند به رشد سریع و پایدار اقتصادی دست یابند.

کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرقی آسیا (ببرهای اقتصادی آسیا) در سه دهه اخیر با پیش رو نهادن الگوی توسعه بر مبنای جهش صادرات نه تنها موفق به جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی شده‌اند، بلکه با برنامه‌ریزی و حمایت قوی دولت در بخش‌های تولید صنعتی و صادرات، سالانه میلیاردها دلار کالا به بازارهای جهانی عرضه کرده و درآمدهای ارزی و اشتغال مطمئنی را فراهم کرده‌اند.

در این راستا، نقش دولت در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، حمایت و نظارت حایز اهمیت است، به گونه‌ای که دستیابی به اهداف میان و درازمدت در زمینه جهش صادرات را عملی ساخته است.

در این مقاله به بررسی نقش دولت در حمایت از بخش صادرات می‌پردازیم.

اقتصاد ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تحولات شگرفی روبه‌رو شد. در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، تحت تأثیر هیجانات ناشی از دگرگونی‌ها و عملکرد نه‌چندان مطلوب دولت‌های گذشته، حرکت به سوی تمرکزگرایی و افزایش نقش دولت در امور اقتصادی تشدید شد. مصادره شدن بخشی از اموال و دارایی‌های وابستگان رژیم گذشته که اقتصاد ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تحولات شگرفی روبه‌رو شد. در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، تحت تأثیر هیجانات ناشی از دگرگونی‌ها و عملکرد نه‌چندان مطلوب دولت‌های گذشته، حرکت به سوی تمرکزگرایی و افزایش نقش دولت در امور اقتصادی تشدید شد. مصادره شدن بخشی از اموال و دارایی‌های وابستگان رژیم گذشته که

نه‌تنها املاک و مستغلات، بلکه واحدهای تولیدی - صنعتی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و تملک آنها از سوی دولت یا نهادهای وابسته به آن را در بر گرفت، موجب گردید که حیطه مالکیت و تصدی دولت بر اقتصاد کشور گسترش یابد. از سوی دیگر در نبود فضای امن سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و فقدان سرمایه‌گذاران توانمند و مخاطره‌جو نیز گسترش روزافزون

تفکر عمومی در نفی فعالیت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خصوصی و ضرورت صیانت و بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش‌های مختلف اقتصادی موجب شد که دولت حیطه فعالیت خود را روز به روز افزایش دهد. در این اثنا سهم دولت و نهادهای وابسته به آن در اداره امور اقتصادی کشور به بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. در این رهگذر فقط

بخش عمده فعالیت‌های کشاورزی و ساختمانی در حیطه فعالیت بخش خصوصی باقی ماند که تا حدود زیادی از ساختار فرهنگی - اقتصادی جامعه نشأت می‌گرفت. بروز جنگ تحمیلی، پس از تحریم اقتصادی غرب علیه ایران، سبب شد که دولت در راستای تأمین نیازهای اساسی جنگ و معیشت مردم بیش از پیش حیطه فعالیت خود را گسترش دهد. اما با پایان یافتن جنگ، ضرورت بازسازی اقتصاد

توسعه اقتصادی پایدار را فراهم ساخت، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان با انجام مطالعات کارشناسی، ضرورت پیروی از الگوی توسعه بر مبنای صادرات (الگوی برون‌نگر) را گوشزد کردند. در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که پس از خاتمه جنگ تحمیلی در یک دهه دنبال شد، موضوع توسعه صادرات غیرنفتی همواره مد نظر قرار داشت و در برنامه سوم، محور توسعه اقتصادی کشور، معرفی شد.

در بازارهای جهانی سه‌چهارم درآمدهای ارزی کشور را تأمین می‌کند. دولت در سومین برنامه پنجاهه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با محوریت جهش صادرات غیرنفتی، سیاست‌های روشنی را در بخش تجارت خارجی تدوین کرد که چارچوب فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی در راستای جهش صادرات غیرنفتی را روشن می‌سازد. در همین راستا طی سه سال اخیر تلاش‌های

جنگ‌زده و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته سبب شد که بتدریج دولت، مشارکت مردم و بخش خصوصی را به کمک بطلبد. با گذشت بیش از یک دهه از خاتمه جنگ تحمیلی، هنوز بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی تحت تصدی دولت باقی مانده و همین امر موجب شده که برنامه‌های تعدیل ساختار اقتصادی ایران با کندی پیش رود.

با توجه به آنکه پیروی از الگوی جایگزینی واردات و دستیابی به خودکفایی اقتصادی در تمام زمینه‌ها، در بیش از یک دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مساعد برای

وسیمی برای تسهیل و روان‌سازی صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات صورت گرفته است که جای تحسین دارد. اما هنوز این اقدامات کافی نیست و تا دستیابی به جهش صادرات

تعمیق فرهنگ صادراتی تنها به مفهوم آماده‌سازی افکار عمومی (مردم) برای تخصیص بخشی از تولید ملی به صادرات نیست، بلکه می‌بایست در لایه‌های مدیریتی جامعه این فرهنگ رسوخ کند تا اصلاحات ساختاری با سرعت و دقت صورت پذیرد و جهش صادرات تحقق پیدا کند.

فاصله زیادی باقی است. تجربه کشورهای موفق در عرصه صادرات، نشان می‌دهد که گسترش و تعمیق فرهنگ صادرات در جامعه نخستین گام برای ایجاد فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و حضور فعال مدیران خلاق و کارآمد در عرصه تولید و تجارت است. برقراری و گسترش فضای امن اقتصادی در چارچوب قوانین

گزینش الگوی توسعه اقتصادی بر مبنای رشد و جهش صادرات، یک گام مثبت برای تداوم اصلاحات اقتصادی و رویکرد به بازارهای جهانی قلمداد می‌شود. با این حال هنوز اقتصاد کشور به بخش نفت و صادرات نفتی متکی است. به عقیده برخی کارشناسان، دولت برای تأمین بودجه تا ۶۰ درصد و بیشتر به تولید و صادرات نفت خام متکی است و دریافتی‌های حاصل از فروش نفت

هنوز بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی تحت تصدی دولت باقی مانده و همین امر موجب شده که برنامه‌های تعدیل ساختار اقتصادی ایران با کندی پیش رود.

با توجه به آنکه پیروی از الگوی جایگزینی واردات و دستیابی به خودکفایی اقتصادی در تمام زمینه‌ها، در بیش از یک دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه مساعد برای

مقررات روشن و تسهیل‌کننده فرآیند تولید و تجارت، بهره‌گیری بهینه از منابع اقتصادی، مدیریت علمی، برنامه‌ریزی جامع و همه‌سونگر برای بکارگیری تمامی نیروهای با انگیزه، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت دقیق دولت بر امور اقتصادی به ویژه اقتصاد کلان و کاهش تصدی دولت در فعالیت‌ها، مسیری است که اکثر کشورهای موفق در عرصه تولید و صادرات طی کرده‌اند و امروز نیز ماحصل تلاش‌های آنها با آمار و ارقام صادرات چندصد میلیارد دلاری قابل مشاهده است.

نکته اساسی در حرکت به سوی جهش صادرات، بهره‌گیری از مدیران خلاق، کارآفرین، نوآور یا به عبارتی مخاطره‌جو (ریسک‌پذیر) در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. مدیرانی که در بخش‌های دولتی و خصوصی تمامی جوانب را بررسی کرده و با احتاط کامل بر شرایط حال و پیش‌بینی‌های به نسبت درست از اوضاع آینده، همراه به خدمت درآوردن علم و فناوری روز در تمامی زمینه‌ها، توانسته‌اند مخاطرات را به جان بخرند و حرکت پیش‌رونده خود را تداوم بخشند.

آنچه مسلم است، یکی از عوامل عمده در عدم تحقق برنامه‌های مربوط به رشد صادرات غیرنفتی در سال‌های اخیر، فقدان مدیریت کارآمد و خلاق در بخش‌های دولتی و غیردولتی بوده است. این امر موجب شده که قوانین و مقررات بر مبنای نیازهای مقطعی شکل بگیرد و به اجرا درآید، رانت‌هایی را در اقتصاد کشور بوجود آورد و افسراد رانت‌جو را در عرصه اقتصادی به بازی بگیرد. در این فضا جایگاه مدیریت علمی و کارآمد همواره تضعیف شده است و لذا تصدی دولت همچنان بر امور اقتصادی حفظ شده است. نگرانی از واگذاری فعالیت‌های اقتصادی، مدیریت دولتی کشور را در امر خصوصی‌سازی با تردید یا کندی حرکت مواجه کرده و در نتیجه بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی همچنان در حیطه تصدی دولت باقی مانده است. در این رهگذر وجود مدیران دولتی فاقد انگیزه و کارایی لازم سبب شده که بنگاه‌های تحت تصدی دولت با سرخورداری از حمایت‌ها و یارانه‌های دولتی، همچنان از بهره‌وری و کارایی مناسب سرخوردار نباشند و هزینه‌ها و تعهدات سنگینی را نیز به دولت تحمیل کنند.

چنین بنگاه‌های اقتصادی تنها به عرضه تولیدات و خدماتشان به بازار داخلی اکتفا کرده و رقابت در عرصه بین‌المللی را در پناه حمایت‌های دولتی برای حضور در بازار داخلی و بهره‌جویی از مصرف‌کنندگان فاقد مقررات روشن و تسهیل‌کننده قانونی، به فراموشی سپرده‌اند. این بنگاه‌ها همچنان از فرایند حاکم بر فعالیت اقتصادی بنگاه‌های خصوصی که همانا رقابت‌پذیری، برنامه‌ریزی برای کاهش هزینه‌های قابل اجتناب، بهره‌گیری از فناوری روز و ... است، دور می‌باشند و خواه و ناخواه نمی‌توانند در عرصه جهش صادرات مفید و کارآمد باشند.

بنابراین تعمیق فرهنگ صادراتی تنها به مفهوم آماده‌سازی افکار عمومی (مردم) برای نظم‌بخشی به مصرف و عرضه بخشی از تولیدات داخلی در بازارهای جهانی با هدف رشد درآمدهای ارزی نیست، بلکه فرهنگ صادراتی می‌بایست در لایه‌های مدیریت جامعه (اعم از دولتی و خصوصی) رسوخ کند و چه بسا ضرورت تعمیق این فرهنگ در میان فعالان و کارآفرینان اقتصادی به مراتب بیش از عموم مردم می‌باشد که گرانی را ناشی از صادرات کالاها و خدمات می‌پندارند.

چنانچه فرهنگ صادراتی در میان توده مدیریت دولتی رسوخ پیدا کند، ارتقای بهره‌وری، خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا، بازاریابی و جهش صادرات غیرنفتی به مراتب سهل‌تر خواهد شد، زیرا که فضای مساعد برای تدوین قوانین و مقررات روشن و تسهیل‌کننده فراهم و

مطالعات کارشناسی مبنای قانون‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی قرار خواهد گرفت.

در حال حاضر که اجرای سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در دستور کار دولت قرار دارد، توجه به محوریت جهش صادرات، الزامی است. در این راستا ضرورت دارد که مسئولان و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این بخش با نظارت مستمر بر روند صادرات، ارتباط نزدیک با صادرکنندگان و تولیدکنندگان برای رفع موانع موجود در قالب تدوین قوانین و مقررات تسهیل‌کننده، حمایت و پشتیبانی از این گروه که پیش‌قراولان توسعه اقتصادی پایدار می‌باشند، الزامی است.

با وجود ارتباط نزدیکتری که میان فعالان اقتصادی و تجاری بخش خصوصی و دولت در سال‌های اخیر ایجاد شده، هنوز بخش‌های تولیدی - صادراتی و سرمایه‌گذاری با موانع و کندی‌هایی روبه‌رو است که حمایت واقعی بخش دولتی در رفع آنها می‌تواند کارساز باشد و زمینه مساعد برای دستیابی به اهداف صادراتی در برنامه سوم را فراهم آورد.

مقررات‌زدایی (حذف مقررات دست و پاگیر اداری)، ارتقای بهره‌وری بخش‌های تحت تصدی

دولت که در امر صادرات دخیل می‌باشند همانند گمرک، بانک مرکزی و ...، تسهیل مقررات حاکم بر صادرات و دیگر اقداماتی که در این زمینه در سال‌های اخیر انجام شده، قابل تحسین است، اما کافی نیست.

به عقیده کارشناسان، نظارت جامع دولت بر موضوع جهش صادرات، بررسی و مطالعه در خصوص رفتارهای کشورهای پیشرو در عرصه صادرات و کسب تجربیات موفق، بهره‌گیری از علوم و فناوری روز و هم‌سویی با آنها در فرایند جهانی شدن اقتصاد و تجارت از طریق برنامه‌ریزی جامع در عرصه اطلاع‌رسانی و ارتقای کارایی تجاری و انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش‌های مربوطه (ارتباطات راه دور، تجارت الکترونیکی و ...)، ارایه تشویق‌های مناسب به صادرکنندگان برای افزایش سودآوری تجارت و ایجاد انگیزه جهت حضور نیروهای خلاق، کارآمد و مخاطبره‌جو در عرصه صادرات، گسترش مناسبات سیاسی - اقتصادی با دنیای خارج و پرهیز از تنش‌هایی که می‌تواند روند صادرات غیرنفتی را تحت تأثیر قرار دهد و ...، لازمه شرایط کنونی برای دستیابی به جهش صادراتی است.

در همین حال تلاش برای انجام اصلاحات ساختاری در بخش دولتی (تسهیل و ثبات بخشی به سیاست‌های

پولی، مالی، ارزی، خصوصی‌سازی و مشارکت‌جویی، نظارت بر شاخص‌های کلان اقتصادی و اتخاذ راهبردهای مناسب برای تصحیح شاخص‌ها و ...) الزامی است.

کارشناسان عقیده دارند که «سود» مهمترین انگیزه فعالیت اقتصادی است که عاملان و فعالان را به عرصه رقابت فرامی‌خواند. از این رو پذیرش نرخ سود بالا در عرصه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات دست کم برای یک دهه، ضروری است تا تلاش‌ها برای رقابت‌پذیری و نفوذ در بازارهای خارجی، تهییج شود و مدیران خلاق، نوآور و کارآمد در عرصه تجارت بیش از پیش فضای فعالیت بیابند.

در همین حال پشتیبانی دولت از طریق ارایه تشویق‌های مناسب (خرید ارز صادراتی به قیمتی بالاتر از نرخ فروش ارز به واردکنندگان، ارایه ارز یارانه‌ای برای فعالیت‌های بازاریابی و تبلیغاتی جهت رونق صادرات، معافیت‌های مالیاتی برای محصولات صادراتی غیرنفتی و خدمات فنی - مهندسی با تسهیلات بانکی و ...) می‌تواند انگیزه فعالیت در عرصه صدور کالاهای غیرنفتی و خدمات را تقویت کند و به رونق درآمدهای ارزی و ایجاد اشتغال مولد و در نهایت ارتقای رشد اقتصادی کمک بسزایی داشته باشد. به گفته شماری از

کسب سهم یک درصدی در تجارت جهانی که سالانه بالغ بر ۶ تریلیون دلار است، افزایش دریافتی‌های ارزی از محل صدور کالاها و خدمات به میزان ۶۰ میلیارد دلار در سال را گریزناپذیر می‌سازد. این رقم بیش از دو برابر مجموع صادرات ایران (نفست، کالاهای غیرنفتی و خدمات) می‌باشد و دستیابی به آن چندان آسان نیست. با این وصف، انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بخش دولتی با هماهنگی، همکاری و همسویی بیشتر با فعالان بخش خصوصی، موانع توسعه صادرات را برطرف سازند و با اعتماد متقابل، مخاطرات موجود در این مسیر را بپذیرند و هزینه آن را میان خود تقسیم کنند.

انتظار می‌رود که «فرهنگ صادراتی» به مفهوم واقعی آن در میان مدیران دولتی، توده‌های مردم و فعالان اقتصادی رسوخ پیدا کند و تمامی تلاش‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، سرمایه‌گذارها و ... در راستای جهش صادرات غیرنفتی هدایت گردد.

تولید و صادرات می‌بایست با برقراری ارتباط نزدیک با تشکل‌های تولیدی - صادراتی، در هر لحظه موانع و تنگنای رقابت در عرصه خارجی را موشکافانه بررسی و راهکارهای لازم و مناسب را اتخاذ کنند. از این رو ضرورت دارد که در عرصه تصمیم‌سازی‌های اقتصادی، نمایندگان تشکل‌های تجاری حضوری فعال داشته باشند و از نظرات آنها برای یافتن راهکارهای مناسب حداکثر بهره‌برداری صورت گیرد.

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که دولت‌ها برای تقویت بنیه رقابت‌بناهای اقتصادی دست کم در پنجسال نخست فعالیت آنها، حمایت‌های قانونی و یارانه‌هایی را تخصیص داده‌اند که تولیدکنندگان حضور در بازارهای خارجی را سودمندتر و سودآورتر از عرضه محصول یا خدمات در بازار داخلی ارزیابی کرده و لذا تلاش‌های وسیعی را برای بازاریابی و نفوذ در بازارهای خارجی به عمل آورده‌اند.

حتی در میان کشورهای پیشرفته صنعتی به ویژه در یک دهه اخیر شاهد نزاع‌ها و مباحثات بسیاری برای تعدیل حمایت‌های دولتی از بخش‌های اقتصادی بوده‌ایم و در نهایت مقررات حاکم بر تجارت جهانی، کاهش حمایت‌های دولتی در میان مدت را پذیرفته است.

دست‌اندرکاران تولید و صادرات کالاهای غیرنفتی - تشریفات اداری در برخی زمینه‌ها مربوط به صادرات هنوز دست و پاگیر و کند است و اخلاق حقوق قانونی صادرکنندگان یا میسر نیست یا با تأخیر زمانی انجام می‌شود. بررسی کارشناسی دیدگاه‌های صادرکنندگان و موانع و مشکلات آنها، ارزیابی دقیق از تنگناهای موجود، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی روشن و شفاف برای حل این معضلات و نظارت برای رفع آنها به منظور دستیابی به جهش صادراتی الزامی است.

دستیابی به اهداف برنامه سوم در زمینه صدور کالاها و خدمات به میزان بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ با تداوم وضعیت کنونی و بدون انجام اصلاحات ضروری در راستای حمایت از صادرات، میسر نخواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که بازارهای جهانی به سرعت تحت تصدی بنگاه‌هایی قرار می‌گیرد که به انجام اصلاحات درونی برای تقویت بنیه رقابت‌پذیری معتقد و از حمایت‌های قانونی دولت بهره‌مند می‌باشند. از دست رفتن فرصت‌های تجاری سبب می‌شود که رقابت در آینده به مراتب دشوارتر گردد و تحقق اهداف جهش صادراتی ناممکن گردد.

با این وصف کارشناسان عقیده دارند که نهادهای دولتی دخیل در امور